



۲۰۱۸/۱۲/۱۴



حمید انوری

## نگاهی بر "یادداشت ها..."

این جهان کوهست و فعل ما ندا  
سوی ما آید نداها را صدا  
به یاد نویسنده پُر تلاش، خواهر گرانقدر ما زنده یاد "مرجان کمال" که به گفته  
خودش اولین و آخرین عشق خود را در کوهپایه های فلک سای افغانستان  
بازیافت! روحش شاد و یادش همیشه گرمی باد!

### قسمت پنجم

و اما در قسمت شانزدهم بر علاوه توضیح و تشریح ماهیت جنگ های تحمیلی و چند و چون آن، بیشتر بالای جنگ افغان- روس یا تجاوز روس ها بر افغانستان که خشن ترین و خونین ترین جنگ قرن بیستم بوده است؛ تکیه شده است و اینکه تجاوزگران روسی و چاکران داخلی شان، هر آنچه خلاف خواسته شان بود؛ نیست و نبود کردند به فحواى اینکه "هر که با ما نیست، دشمن ماست"، دریای از خون در افغانستان اشغالی براه انداختند.

بعد از شکست روس ها و فرار شان از افغانستان و بعد از سقوط رژیم منحنط خلقی در افغانستان، باردگر گماشتگان خارجی تحت نام حکومت اسلامی، کشتار وحشیانه دیگری را در کشور ما براه انداختند که دمار از روزگار ملت و مردم به در آوردند و... بعد ها "طالبان کرام" از راه رسیدند و جنایت به اشکال دیگر ادامه یافت، تا اینکه نوبت امریکا و متحدین رسید و خاک افغانستان را به توپره کردند و بوش چوپه؛ رئیس جمهور وقت امریکا همان شعار روس ها را تکرار کرد که "هر که با ما نیست، دشمن ماست" و بازهم جوی های خون جاری گشت که هنوز هم با درد و دریغ ادامه دارد.

در قسمت بعدی که همانا قسمت یا بخش هفدهم این سلسله باشد به تریاک و جنگ تریاک پرداخته شده است و در یک قسمت چنین می خوانیم: "... به عنوان اطلاع: یک مطالعه و سروی که در سال ۱۹۹۴ توسط پروگرام ملل متحد جهت کنترل بین المللی مواد مخدر (UNDCP) اجراء گردید، نشان داد که کشت کونکار در ۵۵ ولسوالی کشور که مربوط به ۸ ولایت می شود تقسیم گردیده است.

در سال ۲۰۰۰ م این عدد به ۱۲۳ ولسوالی و ۲۲ ولایت ارتقا یافته بود."

لازم به تذکر است که باری در زمان زمام داری طالبان در افغانستان، رژیم طالبان اعلام داشت که کشت خاشخاش و تولید تریاک حرام بوده و به متخلفین جزای سنگین داده می شود، از اینکه در پشت پرده چه

میگذشت، اطلاعاتی در دست نیست؛ اما بعد از آن اعلان بود که کشت خاشخاش و تولید تریاک به یکبارگی به صفر تقرب کرد، اما و مگر بعد از روی کار آوردن رژیم کرزی و باند او، کشت خاشخاش و تولید و قاچاق تریاک با سرعت یک سیر صعودی پیمود. در دور دوم زمام داری کرزی باری خبرگزاری های مختلف و متعدد داخلی گزارش دادند که در اثر یک واقعه ترافیکی در حوالی میدان هوایی کابل، یکی از وسایل نقلیه نظامی امریکائی که بصوب میدان هوایی در حرکت بود، منهدم گردید که داخل آن مملو از مواد مخدر بود...، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

قضیه منع کشت خاشخاش توسط طالبان را که در بالا تذکر دادیم، خواهر گرامی ما زنده یاد "مرجان کمال" در قسمت هژدهم به بسیار خوبی و دقیق تشریح می دهد:

"... در سال های ۲۰۰۰ - ۲۰۰۱ تولید تریاک به صورت چشمگیر پائین بود، به تعقیب ممنوع قرار دادن دولتی (طالب ها) که در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسیدند.

تنها یگانه ساحاتی که در همان سال کوکنار در آن کشت گردید، ولایت بدخشان در شمال افغانستان [بود] که تحت کنترل اتحاد شمال قرار داشت. (اتحاد شمال: اتحاد بین تنظیم های مختلف سیاسی - نظامی علیه طالبان). تحلیل و بررسی ای که از این زمان وجود دارد، نشان دهنده این است، که اگر این تلاش و کوشش در سال بعدی حمایت می گردید، به ناکامی منجر می گردید. به دلیل اینکه از بین بردن کشت کوکنار توسط طالب ها به صورت اساسی دلالت به سیاست نابودی، ریشه کنی و ممانعت از استعمال آن، بوده، لکن برعکس ملل متحد هیچ نوع کمک قابل ملاحظه ای نکرد و تنها کمک شان یک کمک معمولی به انکشاف دهات باقی ماند.

طالبان کشت کوکنار را ریشه کن کردند بدون این که از هیچ نوع کمک و حمایت جامعه بین المللی مستفید گردند، تا برای شان اجازه این را بدهد، تا زارعی که از این معضله متضرر گردیده بودند کمک کردند...". از نظر این کمترین، لب و لباب جنگ تریاک در افغانستان را خواهرک دراک ما در یک پاراگراف گنجانیده است که هیچ جای سوال و جوابی را باقی نمی گذارد.

و اما ناگفته نباید گذاشت که آنچه طالبان در مورد توقف کامل کشت خاشخاش و منع تولید تریاک در افغانستان انجام دادند و منابع بین المللی نیز آنرا تائید نمودند، گویا حکومت بعد از طالبان با تمام حامیان خارجی شان، به شمول امریکا و اتحادیه اروپا، قادر به انجام آن نشدند که این خود سخت پرسش برانگیز است.

و اما در مورد مبارزه با مواد مخدر در زمان زمام داری کرزی چنین آمده است، که یک واقعیت تلخ را بیان میکند: "«جنگ مقدس» اداره کرزی علیه تولید تریاک به تاریخ دهم دسامبر ۲۰۰۴، سه روز بعد از انتخاب به ریاست جمهوری حامد کرزی در سخنرانی خود که از طریق تلویزیون ها در وقتی که زیادترین شنونده در مقابل تلویزیون های خود بودند پخش شد، که یک «جنگ مقدس» یا (جهاد) علیه کشت کوکنار را اعلان کرد. این سخنرانی به آدرس و حضور تقریباً ۵۰۰ بزرگ قومی، والی های ولایات و اعضای پولیس برگزار گردید. زلمی خلیلزاد سفیر امریکا در کابل نیز در این مجلس حاضر بود.

حامد کرزی قسم خورد که وی «خجالت است که شنیده می شود: افغانستان یک مملکت درجه اول و عمده ای تولید تریاک در جهان است».

و کرزی از همان زمان تا ایندم همچنان خجالت ماند و نه تنها جلو تولید و قاچاق تریاک را نگرفت، بلکه بزرگترین قاچاقچیان مواد مخدر را در باند خود گرد آورد و حتی گفته می شد برادران کرزی در قندهار

بزرگترین تولید کنندگان تریاک بوده و بزرگترین شبکه های قاچاق تریاک را در منطقه کنترل و رهبری میکنند.

در قسمت های گذشته خواهر پرتلاش ما زنده یاد "مرجان کمال"، که یاد اش گرمی باد، در مورد کشت خاشاخش و قاچاق تریاک معلومات در خور درنگی گردآوری نموده و نیز از ندانم کاری ها و اقدامات بطی و بی نتیجه و هم دست داشتن مقامات قدرتمند محلی و زورآوران حکومتی و... در این مورد را یادداشت کرده و تقدیم هموطنان نموده است، به تعقیب آن اینک در فصل نهم در مورد کشت بدیل که باید جایگزین خاشاخش و تریاک می شده که نشد، معلومات ارائه کرده اند که یک نظری بر آنها می اندازیم.

### [ تعریف پلان بدیل «Alternative Livelihood Plan» ]

عبارت از پلان کشت بدیل (ALP) که یک پروگرام انکشافی دهات بوده و دلالت به کم کردن زارعین و دهاقین از وابستگی در مقابل کشت کوکنار، توسط تطبیق یک طریقه نو و مناسب اقتصادی می باشد.

این پروگرام از ماه مارچ سال ۲۰۰۵ تا مارچ ۲۰۰۶ برای مدت یک سال، نشان دهنده یک مقدار هنگفت پول که عبارت از ۴۹۰ میلیون دالر تخمین گردیده بود، است.

سه تمویل کننده اصلی، عمده و مهم، که به ترتیب اهمیت، عبارت از پروگرام انکشافی ایالات متحده امریکا (USAID) ( ۶۴ فیصد تمویل کننده ) اتحادیه اروپا ( ۱۶ فیصد ) تمویل کننده و دیپارتمنت انکشاف بین المللی انگلستان ( ۷ فیصد ) تمویل کنندگان را تشکیل می داد.

از این پول ۳۶ فیصد آن برای تمویل پروژه های خورد، راساً به آژانس های که در پروگرام پروژه های مختلف تمویل بدیل کار می کردند، داده شد.

۵۴ فیصد کمک برای پروگرام های ملی ( Nationaux ) تخصیص داده شد، پولی که به دولت افغانستان داده شد ( Afghan Reconstruction Trust Fund ) تا این پول جامعه بین المللی را برای پروژه های انکشافی وزارت خانه های مختلف تقسیم نماید که از جمله ادارات، زیادتترین کمک به وزارت احیا و انکشاف دهات اختصاص داده شد...].

در این قسمت عدم مؤثر بودن کشت بدیل در افغانستان تشریح گردیده و علل آن پیگیری گردیده است که در نتیجه دیده می شود آن کمک های مالی که در زمینه به مقامات مسؤل افغان سپرده شده بوده است، که ۵۴ فیصد سرجمع کمک ها را دربر می گرفت، اکثراً حیف و میل شده است و چون این پول ها به ولایات و قریه جات جهت کشت بدیل انتقال یافته است، زورآوران و جنگ سالاران و قاچاقچیان پر قدرت از آنها به نفع خود سود برده اند و دهقانان بی نوا را غرق در قرض و قرضداری نموده و به گروگان گرفته اند.

دهقانان و کشتکاران خاشاخش، اگر از طرف دولت مرکزی و حامیان خارجی شان مورد حمایت صادقانه قرار می گرفتند، که نگرفتند؛ به یقین که این کشت بدیل نتیجه دلخواه می داد، اما با هزاران هزار افسوس که همین تفنگ داران به عناوین مختلف، در سرتاسر کشور از خود حامیان خارجی دارند و دولت مرکزی هم بخوبی اینرا می داند، اما چون خود وابسته به متحدین خارجی هستند؛ کاری از آنها ساخته نیست و در نتیجه به گونه های مختلف شریک جرم قاچاقچیان مواد مخدر اند.

ادامه دارد